

سفر دانه به گل

سیر تحول جایگاه زن در نثر دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۰ق)

دکتر مریم عاملی رضایی

استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



سرشناسه:	عاملی رضایی، مریم ۱۳۵۳
عنوان و نام پدیدآورنده:	سفر دانه به گل (تحول جایگاه زن در نشر دوره قاجار) عاملی رضایی، مریم
مشخصات نشر:	تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۹
مشخصات ظاهری:	۳۱۴ ص.
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۶۰۸۲-۷۴-۸
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیپا
یادداشت:	کتابنامه: ص ۲۷۱-۲۷۷.
موضوع:	زنان -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۳ ق.
موضوع:	زنان در ادبیات -- تاریخ
رده‌بندی کنگره:	DSR ۱۳۸۸/ع ۲/۹۱۵
رده‌بندی بی‌بی:	۹۵۵/۰۷۲۰۸۲
شماره کتابشناسی ملی:	۱۸۹۶۲۱۶



نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)
تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، شماره ۳۰۴، تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰

سفر دانه به گل
سیر تحول جایگاه زن در نشر دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۰ ق)
مریم عاملی رضایی

حروفچینی، صفحه‌آرایی و نظارت:	نشر تاریخ ایران
طرح جلد: فریبا علایی	لیتوگرافی پارسیان
چاپ: شیرین	صحافی: جدی
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۰۸۲-۷۴-۸	ISBN: 978-964-6082-74-8
چاپ اول: ۱۳۸۹	تیراژ: ۱۲۰۰
قیمت:	۷۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

فهرست مندرجات

۹	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
	فصل اول: جایگاه زن در نشر دوره اول قاجار (۱۲۶۴-۱۲۱۰ ق)
۱۹	قاجاریه: اصل و نسب و آغاز حکومت
۲۱	اوضاع عمومی ایران در دوره اول قاجار
۲۴	زمینه های تغییر و اصلاحات در جامعه این دوره
۲۵	اوضاع عمومی زنان در ابتدای دوره قاجار
۲۵	ویژگی های نشر در دوره اول قاجار
۳۲	جایگاه زن در نشر این دوره
۳۳	جایگاه زن در کتب تاریخی
۳۳	زنان فتحعلی شاه
۳۹	جایگاه زن در تذکره ها
۴۳	جایگاه زن در منشآت
۴۵	جایگاه زن در سفرنامه ها
۴۶	الف. زنان فرنگی در سفرنامه های ایرانیان
۴۶	دیدگاه تحسین آمیز نسبت به زنان فرنگی
۵۱	دیدگاه تحقیر آمیز نسبت به زنان فرنگی
۵۲	ب. زنان ایرانی در سفرنامه های فرنگی
۵۴	نتیجه گیری
	فصل دوم: جایگاه زن در نشر دوره ناصری (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق)

۵۷	اوضاع عمومی ایران در دوره ناصری
۶۰	اوضاع عمومی زنان در دوره ناصری
۶۵	اوضاع حرم‌خانه و زنان دریاری
۶۹	ویژگی‌های نشر در دوره ناصری
۷۱	جایگاه زن در نشر این دوره
۷۲	الف. جایگاه زن در نشر مردان
۷۲	تذکره زنان
۷۵	جایگاه زن در رساله‌ها
۷۵	جایگاه زن در سفرنامه‌ها
۸۴	جایگاه زن در خاطرات
۸۸	جایگاه زن در روزنامه‌ها
۹۳	نهضت ترجمه
۹۹	جایگاه زن در داستان‌های ترجمه شده
۹۹	سرگذشت خانم انگلیسی
۱۰۰	بررسی شخصیت زن در داستان
۱۰۱	سرگذشت حاجی بابای اصفهانی
۱۰۳	بررسی شخصیت‌های زن در داستان و جایگاه آنان
۱۰۳	زینب
۱۰۶	مادر حاجی بابا
۱۰۶	زن حکیم
۱۰۷	شکرلب
۱۱۰	جایگاه زن در نمایشنامه‌های ترجمه شده
۱۱۰	خلاصه نمایشنامه
۱۱۱	تمثیلاتک نمایشنامه‌های فتحعلی آخوندزاده
۱۱۱	حکایت موسی زوردان حکیم نباتات و مستعلی‌شاه مشهور به جادوگر
۱۱۳	حکایت خرس قولدور باسان (دزدافکن) ۱۲۶۸ق
۱۱۳	سرگذشت وزیرخان لنکران
۱۱۴	سرگذشت مرد خسیس
۱۱۵	حکایت وکلای مرافعه
۱۱۷	سفرنامه‌های ترجمه شده
۱۲۱	جایگاه دختران در کتب تربیتی ترجمه شده کودکان

۱۲۴	نتیجه‌گیری
۱۲۴	جایگاه زن در نشر زنان
۱۲۵	نامه‌ها
۱۲۵	بررسی مضامین نامه‌ها
۱۲۵	برخی نکات در شیوه نگارش نامه‌ها
۱۲۷	سفرنامه‌ها
۱۲۹	مضامین سفرنامه‌ها
۱۳۱	برخی نکات در شیوه نگارش سفرنامه‌ها
۱۳۲	رساله اجتماعی
۱۳۳	مضمون رساله
۱۳۷	برخی نکات در شیوه نگارش رساله
۱۳۸	نتیجه‌گیری

فصل سوم: جایگاه زن در نشر دوره مشروطه (۱۳۱۳-۱۳۴۰ق)

	اوضاع عمومی ایران از جلوس مظفرالدین‌شاه تا کابینه سیدضیاءالدین
۱۴۱	طباطبایی
۱۴۵	اوضاع عمومی زنان در دوره مشروطه و زمینه‌های حضور آنان در اجتماع
۱۴۵	الف. اوضاع زنان عادی و حضور آنان در جنبش مشروطه‌خواهی
۱۴۹	۱. حمایت سیاسی و مبارزه مسلحانه
۱۵۱	۲. حمایت‌های مالی و اقتصادی
۱۵۳	۳. حمایت‌های اجتماعی و تبلیغاتی
۱۵۴	ب. نقش فعالی زنان در پیشبرد مقاصد اجتماعی خود
۱۵۴	۱. تشکله‌ها و انجمن‌های زنان
۱۵۷	۲. مدارس دختران
۱۵۹	۳. روزنامه‌ها و مجله‌های زنان
۱۵۹	۴. زنان مطرح دوره مشروطه
۱۶۲	زنان شاعر این دوره و تحول در مضامین شعری
۱۶۵	تأثیر جنبش مشروطه بر ادبیات
۱۶۶	ویژگی‌های نشر دوره مشروطه
۱۶۹	جایگاه زن در نشر این دوره
۱۷۰	الف. جایگاه زن در نشر مردان
۱۷۰	اهم مسائل مورد توجه در مقالات مردان در روزنامه‌های دوره مشروطه

۱. اقرار به وضعیت نامطلوب زنان ایرانی ۱۷۰
۲. توجه به سوادآموزی و تربیت بانوان در جهت تربیت فرزندان مملکت ۱۷۲
۳. توجه به تأثیر موقعیت زن ایرانی بر جایگاه ایران در روابط بین‌المللی ۱۷۳
۴. انتقاد به رفتارهای مردان و تمایل به ایجاد تحول فکری و فرهنگی در مردان ۱۷۴
۵. آگاهی‌دادن به جامعه دربارهٔ پیشرفت‌ها و وضعیت زنان ممالک جهان ۱۷۵
۶. دیدگاه مردان نسبت به کار و فعالیت‌های اجتماعی زنان ۱۷۶
۷. اختلاط نژاد و تمایل جوانان ایرانی به ازدواج با دختران فرنگی ۱۷۸
۸. حجاب و پوشش زنان ۱۷۸
- نقش ادبیات طنز در بیان مسائل زنان ۱۸۱
- روزنامه ملانصرالدین ۱۸۳
- صوراسرافیل ۱۸۵
- طنز در روزنامه‌های زنان ۱۸۸
- ب. جایگاه زن در نشر زنان ۱۸۸
- الف. خطابه‌ها و سخنرانی‌های زنان ۱۸۹
- ب. اعلامیه‌ها و فراخوان‌ها ۱۸۹
- ج. تلگراف به زنان خارج از کشور ۱۹۱
- د. نامه‌های زنان ۱۹۲
۱. نامه‌های زنان به روزنامه‌های دورهٔ مشروطه ۱۹۴
- مضامین نامه‌ها ۱۹۴
۱. تمایل به مشارکت در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ۱۹۴
۲. اعتراض به مردان در بی‌سواد نگاه داشتن زنان و اثبات شایستگی و درک زنان ۱۹۵
۳. تلاش برای تعدیل الگوی چندم‌سری بانوجه به رفاقت و شراکت زن و مرد در زندگی ۱۹۷
- اثبات لیاقت و شایستگی‌های زنان و ترجیح آنها بر مردان ۱۹۸
- شیوه نگارش نامه‌ها ۱۹۹
۲. نامه‌های زنان درباری ۱۹۹
- مضامین نامه‌ها ۱۹۹
- ه. مقالات زنان ۲۰۲
- دانش ۲۰۲

۲۰۴	شکوفه
۲۰۵	اهم مطالب شکوفه
۲۰۵	۱. خانواده و روابط زن و شوهر
۲۰۶	۲. تأکید بر لزوم تحصیل علم همراه با پرورش صفات اخلاقی
۲۰۷	۳. توجه به بهداشت زنان و کودکان تحت عنوان حفظ الصحة
۲۰۸	۴. مبارزه با خرافه و خرافه پرستی
۲۰۸	۵. تأکید به رعایت حجاب و حدود مناسبات میان زن و مرد
۲۰۹	۶. حمایت از منسوجات داخلی و عدم تقلید مصرف‌گرایانه
۲۰۹	۷. اخبار زنان ملل دیگر
۲۱۰	اهم مطالب زیان زنان
۲۱۰	۱. روابط خانوادگی و جایگاه زن در خانواده
۲۱۰	۲. تحصیل علم معاش
۲۱۰	۳. سن مطلوب ازدواج
۲۱۱	۴. حفظ الصحة عمومی، خصوصاً حفظ الصحة کودکان و زنان
۲۱۱	۵. توجه به تعلیم و تربیت زنان کشور و گشایش مدارس بانوان
۲۱۲	۶. ورود به مباحث سیاسی
۲۱۲	۷. تلاش برای نوشتن به زبان پارسی سره
۲۱۴	نامه بانوان
۲۱۴	عالم نسوان
۲۱۵	جهان زنان
۲۱۵	مجله جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران
۲۱۶	و. خاطرات زنان
۲۱۶	مضمون خاطرات
۲۱۸	نقد و نتیجه از نشر زنان
۲۲۲	ج. متون ترجمه شده در دوره مشروطه
۲۲۲	مجله بهار
۲۲۳	مقالات مجله بهار
۲۲۵	داستان‌ها و قطعات ادبی مجله بهار
۲۲۵	داستان زن کارگر (از ژول سیمون)
۲۲۷	داستان نیروی فضیلت (از لامته)
۲۲۷	نغمه پیراهن (از میلتن)

۲۲۸	متون تربیتی ترجمه شده در باره زنان و دختران
۲۳۰	زن مترجم
۲۳۱	د. جایگاه دختران در کتاب‌های تربیتی و آموزشی دوره مشروطه
۲۳۱	کتاب احمد
۲۳۳	کتاب علی
۲۳۳	کتاب‌های آموزشی دختران
۲۳۴	تعلیم البنات
۲۳۶	هنرآموز دوشیزگان
۲۳۸	نتیجه‌گیری
۲۴۱	پایان سخنک تحلیل از روند تحول جایگاه زن در نشر دوره قاجار
	ضمائم
۲۴۹	ضمیمه یک نامه قائم مقام به شاهزاده خانم
۲۵۰	ضمیمه دو نامه قائم مقام به همسر ایلچی انگلیس
۲۵۲	ضمیمه سه نامه مهد علیا به عین‌الملک
۲۵۳	ضمیمه چهار نامه امین اقدس به ناصرالدین‌شاه
۲۵۴	ضمیمه پنج نامه انیس‌الدوله به ناصرالدین‌شاه
۲۵۶	ضمیمه شش بخشی از «معایب الرجال» بی‌بی‌خانم
۲۵۷	ضمیمه هفت تأدیب‌الاطفال
۲۵۹	ضمیمه هشت لایحه اتحادیه غیبی نسوان
۲۶۲	ضمیمه نه اعتراض به عدم سوادآموزی زنان
۲۶۷	ضمیمه ده نامه بی‌بی‌خانم وزیرف
۲۶۹	ضمیمه یازده، تلگراف زنان
۲۶۹	الف. تلگراف کمیته نسوان ایرانی به دربارها و مجامع بین‌المللی
۲۶۹	ب. پاسخ کمیته نسوان ایرانی به ماری ژیلکا
۲۷۰	ضمیمه دوازده، نامه تاج‌السلطنه به کابینه قوام
۲۷۱	ضمیمه سیزده، نامه فروغ‌الدوله به ظهیرالدوله
۲۷۵	ضمیمه چهارده، نمونه‌ای از مقالات زنان

پیشگفتار

در تاریخ ادبیات ایران، حضور زن در کتب ادبی و تاریخی حضوری کم‌رنگ است. در دوره قاجار هم‌زمان با تحولات اجتماعی و فرهنگی و ورود مضامین جدید در ادبیات و گرایش ادبیات به سمت واقع‌گرایی، موضوعات تازه، از جمله موضوع زنان در ادبیات بازتاب یافت. نثر این دوره با ایجاد شاخه‌های جدید و تنوع و گسترش مضامین، بار تحولات اجتماعی را بیشتر بر دوش کشید. این نوشتار به بررسی ریشه‌های حضور زن در نثر معاصر می‌پردازد و خواهان روشن‌ساختن این مطلب است که درون مایه‌های اجتماعی مربوط به زنان از چه دوره‌ای وارد متون منشور شده است. خواسته‌ها و مطالبات زنان یا وضعیت آنان در نثر مردان چگونه بازتاب یافته و چه سیر تکاملی را طی کرده است. همچنین نویسندگان زن از چه زمانی وارد فرهنگ مکتوب شده‌اند و مضامین مربوط به خود و خواسته‌ها و مطالباتشان را چگونه دنبال کرده‌اند.

شناخت چالش‌ها و موانع پیش‌روی زنان و چگونگی مقابله با این چالش‌ها که برای نخستین بار جریان جدیدی را در آثار منشور این دوره به وجود آورد؛ برای درک تجربه ادبی که در این دوره شکل گرفت، ضروری است. بررسی جایگاه زن در نثر دوره قاجار در شناسایی حلقه مفقوده میان ادبیات سنتی و ادبیات عصر جدید در انعکاس جایگاه زن در نثر حائز اهمیت است، زیرا از سال‌های ۱۳۰۰ شمسی به بعد، شاهد حضور زن

چه به عنوان موضوع اثر و چه به عنوان نویسنده در نشر داستانی هستیم. چنان که رمان‌های اجتماعی با به تصویر کشیدن شرایط نامطلوب زندگی زنان، از شخصیت‌های اصلی زن در داستان‌های خود بهره بردند. همچنین نویسندگان زن پا به عرصه داستان‌نویسی گذاشتند. لذا حضور زن در نشر دوره پهلوی آشکار است، اما در این میان حلقه مفقوده‌ای وجود دارد که عبارتست از زمینه‌های حضور زن در نشر دوره قاجار و شناخت چگونگی شکل‌گیری حضور زن در نشر که به ایجاد زمینه‌های مساعد حضور زنان در نشر دوره‌های بعد انجامید. بی‌تردید بدون تحقیق و بررسی علمی در این زمینه نمی‌توان ویژگی‌های ادبیات متثور زنان را در ادوار بعد تحلیل و تبیین کرد، زیرا با شناخت زمینه‌های اولیه حضور زن مشخص می‌شود زنان برای رسیدن به جایگاه امروزی از چه مسیری عبور کرده‌اند، چه مشکلاتی را پشت سر گذاشته‌اند، چه مسائلی را حل کرده‌اند و چه مسائلی هنوز در حیطه مطالبات زنان، حل نشده باقی مانده است. گرچه در زمینه اوضاع اجتماعی زنان در دوره قاجار یا نقش زنان در جنبش مشروطه پژوهش‌هایی صورت گرفته است اما می‌توان گفت این پژوهش، اولین بررسی جامع در زمینه جایگاه زن در آثار متثور مردان و زنان این دوره محسوب می‌شود. به دلیل هماهنگی و تلفیق میان مضامین چندگانه، گستردگی زمینه کار، کمبود اطلاعات و محدودیت منابع، این نوشتار کاری دشوار پیش رو داشته است. یافتن رگه‌های پنهان و پراکنده راجع به موضوع زن در متون متثور از آنجا دشوار بود که حتی در منابعی که نویسنده ضرورت تحول در دیگر شئون اجتماعی را گوشزد می‌کرد، به دلیل دیدگاه خاص فرهنگی یا حساسیت‌های اجتماعی، مسأله زنان مورد توجه قرار نمی‌گرفت، مثل سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیک، رساله مجدالملک یا خواب‌نامه اعتمادالسلطنه که به کلی از مسأله زنان گذشته‌اند. برخی متون مورد بررسی تاکنون به چاپ نرسیده است، مثل مکتوبات آخوندزاده، صد خطابه میرزا آقاخان کرمانی یا تذکره نقل مجلس محمود میرزا که از نسخه‌های خطی آنها استفاده شده است. برخی کتاب‌ها نیز چاپ‌های سنگی و سربی نایاب داشت مثل تأدیب‌الاطفال، تعلیم‌البنات، خیرات‌حسان، سرگذشت خانم انگلیسی، اما به رغم همه مشکلات کوشیده‌ام اکثر قریب به اتفاق اشاراتی را که در انواع متون ادبی درباره زنان وجود داشت بیابم و زمینه‌های اولیه حضور زن در ادبیات را آشکار سازم.

از آنجا که این نوشتار، رساله تحصیلی دوره دکترای نگارنده است، در اینجا جا دارد از استادان محترمی که این رساله ثمره هدایت و زحمات آنان است، تشکر کنم:

جناب آقای دکتر حمیدی که راهنمایی اینجانب را به عهده گرفتند و از نظریاتشان در نگارش رساله و انتخاب منابع بهره بردم.

سرکار خانم دکتر مشرف که در انتخاب موضوع، تنظیم ساختار رساله و شکل گیری مراحل مختلف کار با دلسوزی و دقت نظر و ریزبینی خاص خود به من یاری دادند. بدون این راهنمایی ها، رساله شکل فعلی را نمی یافت.

سرکار خانم دکتر اتحادیه که با خواندن دقیق متن، نکات مهمی را یادآور شدند و با اشراف بر منابع و مآخذ، کتاب هایی را معرفی کردند که نقش مؤثری در غنای رساله داشت. چاپ این رساله نیز با همت ایشان صورت گرفت.

سرکار خانم دکتر روح انگیز کراچی که از نظریاتشان خصوصاً در بخش رساله های دوره ناصری بهره بردم.

از مادر عزیزم که در ترجمه متون انگلیسی به من یاری رساند و همسر مهربانم که با همراهیش شرایط مناسبی برای تدوین کار فراهم کرد، بسیار سپاسگزارم.

از نشر تاریخ ایران و همکاران محترمی که در مراحل مختلف کار با دقت و حوصله مرا یاری کردند، سرکار خانم پیرا که پیگیری کار را برعهده داشتند و زحمت خواندن متن را پیش از چاپ پذیرفتند و نکاتی را گوشزد کردند و جناب آقای فریدونی که زحمت حروف چینی و آماده سازی متن را برعهده داشتند، صمیمانه تشکر می کنم.

در طول انجام این پژوهش، با زنان و مردان دوره قاجار و مشروطه، همدل و همفلس بودم. شاهد مرارت ها، تلاش ها، بیم و امیدها، آرزوها و استقامت و پایداری شگفتشان بودم. دیدم آنها که بر توانایی و استعداد زنان باور داشتند، چگونه تاریک ترین و صعب ترین راه ها را - بی هراس و چشمداشت - به سمت نور پیمودند تا هر یک به سهم خود روزن هایی کوچک گشودند. حقایق تاریخی مرا به این نکته آگاه کرد که جایگاه امروزین من در عرصه علم و فرهنگ جامعه تا چه حد مدیون و مرهون زحمات، رنج ها و استقامت این «دل به دریا افکنان پادار» بوده است. این کتاب را به آنان که بر شانه هایشان ایستاده ایم، تقدیم می کنم.

این گفتار را با چند بیت از عالم تاج قائم مقامی (ژاله)، شاعر عصر مشروطه که خطاب به زنان و دختران آینده سروده است، به پایان می رسانم.

هستی ما ز مرگ بدتر بود
مثنوی را هزار دفتر بود
دلشین تر ز شهد و شکر بود
به امید خدای خوشتر باد
کاخ عمر شما منور باد
زندگی جمله نور و شکر باد
زندگی را نظام دیگر باد
قرن‌ها جنس زن مظفر باد

هله‌ای در جهان نیامدگان
رنج ما را اگر نوشتندی
مرگ در کام ما ز تلخی عمر
روزگار شما نیامدگان
خانه عیش ما سیه دل بود
بسر شما دختران آینده
آسمان را دگر شود رفتار
قرن‌ها بوده جنس زن مقهور

مریم عاملی رضایی
شهریور ۱۳۸۹

مقدمه

دوران حکومت قاجارها در ایران (۱۲۱۰-۱۳۴۴ق) پلی است که ایران دوره صفویه و سلسله‌های بعدی آن را به ایران قرن بیستم پیوند می‌زند. صفویان (۹۰۷-۱۱۳۵ق) با ایجاد حکومتی باثبات و آرامش نسبی همراه با امنیت، آغازگر ارتباط ایران با کشورهای اروپایی بودند و اروپائیان در قالب سیاحان یا سیاستمداران در ایران آن دوره رفت و آمد داشتند. در این دوره شاهد پیشرفت‌هایی در معماری، هنر، فلسفه و علوم دینی هستیم. اما از انقراض صفویه تا تشکیل حکومت قاجار، روند ارتباط و تجارت با جهان خارج قطع شد و در حیات سیاسی و فرهنگی ایران نوعی هرج و مرج ظهور کرد. شیرازه جامعه ایران در نتیجه حملات و کشتارهای خونین و بی‌حد و حصر افغان‌ها از هم پاشید و دوران حکومت نادرشاه نیز سراسر به جنگ و لشکرکشی گذشت. گرچه در دوران سی ساله حکومت کریم‌خان زند برای مدت کوتاهی امنیت و آرامش به کشور بازگشت. پس از فوت او، آقامحمدخان با قدرت و شدت و سرکوب تمامی مخالفان، ایران را تحت لوای حکومت واحد درآورد. با آغاز حکومت فتحعلی‌شاه قاجار (۱۲۱۲ق) ایران دولت مرکزی نسبتاً استواری پیدا کرد. تجانس اجتماعی آن بیشتر شد، اقتصادش توسعه یافت و بارقه‌هایی از تجدید حیات فرهنگی و مذهبی در افق مملکت پدیدار گشت. با آغاز جنگ‌های ایران و روس در دوره عباس‌میرزا و شکست سخت ایران از روسیه که به انعقاد عهدنامه گلستان (۱۲۲۸ق) و ترکمانچای (۱۲۴۳ق) انجامید، قشر

بالای دولت با مشاهده پیشرفت‌های نظامی دول اروپایی اصلاحاتی در ساماندهی قشون به تسلیحات نوین و مهمات جنگی اروپایی و ایجاد «نظام جدید» به عمل آورد.^۱ تدریجاً در میان طبقه‌ای بسیار کوچک از نخبگان حکومتی، در نتیجه تماس و آشنایی با پیشرفت‌های دول اروپایی ضرورت ایجاد اصلاحاتی به سبک غرب احساس شد. در همین زمان روسیه و بریتانیا نیز ابتدا از راه جنگ و سپس از طریق روابط سیاسی و دادوستد بر دامنه تماس‌های خود با ایران افزودند. مستشاران نظامی، فرستادگان سیاسی، تجار و مبلغان مذهبی اروپایی مجرای مهمی برای شناخت اولیه ایرانیان از غرب بودند.^۲ از همین دوره اعزام عده‌ای از طالبان علم و دانش به فرهنگ، فکر راه اندازی دستگاه چاپ و فکر تشکیل مدرسه به دست میسیونرهای مذهبی، آغاز شد.^۳ به تدریج آشنایی بخش اندکی از حاکمیت و گروهی که به سفر فرنگ رفتند، باعث شد آنان مقایسه‌هایی میان پیشرفت‌های اروپائیان و عقب‌ماندگی ایران، به عمل آورند. سفرنامه‌های آنان بیانگر حیرت و شگفتی ایرانیان از دستاوردهای بی‌شمار تمدن غرب است. در مقایسه با این دستاوردها، ایران آن دوره جامعه‌ای بسیار عقب‌مانده بود که سیاست ایللی و ملوک‌الطوایفی بر آن حکمفرما بود. اکثریت مردم بی‌سواد بودند و آزادی و امنیت سیاسی و اجتماعی و رشد و شکوفایی اقتصادی وجود نداشت. بسط رابطه با اروپا، توسعه چاپ و رواج مطبوعات و ارتباطات سیاسی یا تجاری با معالک غربی و مشاهده پیشرفت علمی، آزادی و احترام به حقوق فردی و اجتماعی افراد در آن جوامع، اندک‌اندک در میان طبقات تجار، مستوفیان و شاهزادگان یک گروه مترقی به وجود آورد که فرنگ را قله علم و صنعت و حقوق مدنی تلقی می‌کرد^۴ و غرب برای نسل اول متفکران، اندیشمندان و مصلحان اجتماعی ایران، به منزله الگویی برای پیشرفت علوم و فنون و از میان برداشتن بی‌خبری اجتماعی، عقب‌ماندگی اقتصادی و استبداد سیاسی تلقی شد. کم‌کم رسالاتی در تبیین فکر آزادی انتشار یافت و کسانی چون آخوندزاده، میرزا آقاخان و میرزا ملکم‌خان با صحبت از «حریت»، «قانون» و «ترقی» خواهان ایجاد

۱. امانت، عباس، قیله عالم، نشر کارنامه، تهران، ۱۳۸۳، ص ۵۷.

۲. همانجا.

۳. رضوانی، محمداسماعیل، انقلاب فکری ایران در عهد فتحعلی شاه، راهنمای کتاب، جلد هفتم، صص

۱۳-۱۸.

۴. زرین کوب، عبدالحسین، نقد ادبی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۸، ص ۶۲۳.

اصلاحاتی در نظام سیاسی و اقتصادی و اجتماعی دوره قاجار شدند. در این میان روحانیانی چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی نیز خواهان از میان رفتن استبداد و احیای تفکر اسلامی برای مقابله با نفوذ روزافزون غرب بودند. همچنین گروهی از متفکران، از جمله مستشارالدوله می‌کوشیدند اصول فرهنگ غربی را مسبوق به عقاید مسلمین و تعالیم اسلامی نشان دهند تا از این طریق زمینه پذیرش این مفاهیم را در اجتماع ایجاد کنند.^۱ با این همه این افکار با مقاومت و مخالفت کسانی که در بقای وضع موجود، منافع بیشتری داشتند روبرو شد. این گروه شامل اکثر درباریان و اصحاب قدرت، مستوفیان، ملایان و طبقات عادی مردم بود. «دلبستگی اکثر طبقات به سنت‌های پیشین و جاذبه تمدن غربی برای تعداد معدودی از آشنایان با فرهنگ اروپایی، تدریجاً و در طی زمان جامعه ایرانی را بین دو قطب مخالف تقسیم کرد: سنت‌گرایی و سنت‌گریزی. که برخورد آنها در حقیقت برخورد اکثریت بسیار وسیع بود با اقلیت بسیار محدود.»^۲

به این ترتیب در محیط به شدت سنت‌گرای این دوره، فکر ترقی خیلی به کندی در مقابله با سنت‌ها و عوامل رکود، پیش می‌رفت. در میان اصلاح‌گرایان داخل حکومت نیز میرزاتقی‌خان امیرکبیر یا میرزااحسین‌خان سپهسالار نتوانستند کاری اساسی از پیش برند. از نظر آجودانی روشنفکران این دوره در چنبره دو قطب قوی گرفتار بودند: یکی سانسور و اختناق سیاسی و دیگری قدرت و نفوذ روحانیان که بر ذهنیت مذهبی جامعه سستی تسلط داشتند. به همین جهت آنان سعی داشتند مسائل مربوط به قانون‌خواهی و مفاهیم بنیادی نظام مشروطیت را به زبان شرعی و با تطبیق قوانین شرع و ایجاد نوعی این‌همانی مطرح کنند تا خواسته‌های سیاسی و اجتماعی‌شان مورد حمایت بخشی از روحانیان روشن‌بین و مخالف حکومت استبداد قرار بگیرد.^۳

هدف از ذکر این مقدمه کوتاه، نشان دادن بخشی از دشواری راهی است که نوگرایان در طرح مباحث جدید داشتند. این مباحث تنها محدود به نظام پارلمانی یا آزادی و مساوات نبود، بلکه راه‌آهن، بانک، مدارس جدید، تأثیر و سینما، حتی نرخ‌گذاری اجناس را نیز شامل می‌شد.^۴ در چنین شرایطی بود که مسئله زنان نیز به عنوان یکی از مسائل و مباحث جدید، وارد آرای نواندیشان شد.

۱. آجودانی، ماشاءالله، مشروطه ایرانی، اختران، تهران، ۱۳۸۳، صص ۲۲۳-۲۲۵.

۲. زرین‌کوب، پیشین، ص ۶۲۵.

۳. آجودانی، همانجا.

۴. آجودانی، همان، ص ۳۸۵.

به جرأت می‌توان گفت در میان تمام مفاهیم جدید مطرح شده در این دوره از قیبل آزادی، قانون، ترقی، حکومت پارلمانی و غیره، مسأله زنان، حقوق آنان و حضورشان در اجتماع یکی از ظریف‌ترین و حساسیت برانگیزترین مسائلی بود که در این دوره مطرح شد و باعث ایجاد بیشترین مقاومت‌ها در سطح جامعه شد. زیرا:

از دیدگاه اجتماعی، فرهنگ پدرسالاری گسترده‌ای که از نظام پادشاهی و میراث پدر-فرزندی بهره می‌برد، برای سال‌های طولانی در اجتماع حاکم بود و فرودستی اجتماعی، سیاسی، عرفی و مذهبی زنان در طول تاریخ تثبیت شده بود. در این فرهنگ «غیرت» و «ناموس» مفاهیمی اساسی در باور ایرانی نسبت به زن بود. این مسأله از گستردگی و عمومیت فراوان برخوردار بود و برخلاف سایر مباحث جدید که ممکن بود توده مردم و عوام، حساسیتی نسبت به آن نداشته باشند، اقشار وسیعی را در بر می‌گرفت. جدایی کامل زنان از محیط اجتماع و تقسیم‌بندی جامعه بر مبنای طبقه‌بندی جنسیتی: تعلق زن به محیط اندرونی و تعلق مرد به محیط بیرونی، نه تنها در اجتماع که در فرهنگ و ادبیات نیز حاکم بود.

در فرهنگ مکتوب ایران، نمونه‌های نثر زنان بسیار کمیاب است. از نظر فرزانه میلانی میان این مرزبندی اجتماعی و عدم امکان حضور زن در ادبیات رابطه مستقیمی برقرار است، زیرا «همان‌طور که زن در جامعه فردیت بسته و کاملی را می‌باید حفظ می‌کرد که هیچ تداخلی با دنیای خارجی نداشته باشد و هم‌چنان که عرف و اجتماع به او می‌آموختند که حجاب جسمانی را کاملاً رعایت کند، صدایش هرگز شنیده نشود، صورتش نقاشی نشود و زندگی‌نامه‌اش بازگو نشود؛ زنان به دنیایی تنها و خصوصی تعلق یافتند که ابراز «خود» یا به طور جسمانی یا با کلمات، تنها محدود به دایره زندگی خانوادگی بود. روشن شدن و در معرض عموم قرار گرفتن هر یک از زوایای زندگی زن آسیب به حرمت او و خارج شدن از حیطه قراردادهای اجتماعی بود. در جامعه جز استثنائات نادر، وجود یک زن در نادیدن یا نامرئی بودنش تجلی می‌یافت و زن با سکوت و عدم حضور در جامعه معنا پیدا می‌کرد. به این ترتیب ارزش‌هایی که حجاب جسمانی زن و عدم حضورش در اجتماع را تعیین می‌کرد، با بیان ادبی او نیز مطابقت یافت».^۱ در کل دوره تاریخ ادبیات ایران تا دوره ناصری، جز چند رساله فقهی، نمونه دیگری از نوشته‌های مکتوب زنان به نثر در دست نیست. زنان اهل سخن فرض

نمی‌شدند و در تاریخ‌ها و تذکره‌ها و سایر متون نشر (جز موارد بسیار نادر) حضور نداشتند. غایب بودن آنان، نشان‌دهنده بی‌اعتبار دانستن حضور زن در ساختار فرهنگ مکتوب است و اشاره به این دیدگاه عرفی مردسالار دارد که میان زن و فرهنگ مابین وجود دارد.

البته این موضوع تنها به ایران اختصاص ندارد و در کشورهای اروپایی نیز شاید برای اولین بار جان استوارت میل بود که در سال ۱۸۶۹م، در رساله «انقیاد زنان» مسأله توجه به برابری حقوق زن و مرد را مورد توجه قرار داد. او به طاقت‌فرسا بودن کار خود در اثبات این مطلب اشاره کرد و تأکید کرد دشواری او در اثبات این امر نه به خاطر ابهام یا نارسایی در میانی منطقی بحث که در مقابله با انبوهی از عواطف و احساسات مردسالاری در این عرصه است که «به دلایل بسیار، شدیدترین و ریشه‌دارترین احساساتی است که نهادها و سنت‌های کهن را در بر گرفته است و به آنها قوت و استحکام می‌بخشد و ما نباید حیرت کنیم که تحولات عظیم روحی و اجتماعی مدرن این احساسات را در مقایسه با دیگر احساسات، کمتر دستخوش ضعف و سستی ساخته است».^۱

به این ترتیب مسأله زنان و حضور آنان در ادبیات و اجتماع، نه در ایران که در کل ممالک جهان موضوعی تازه و جدید بود. اما در ایران پیوند این مسأله با مباحث عرفی و مذهبی و تربیت سستی خانواده‌ها سبب شد که موضوع زنان به موضوعی حساس تبدیل شود، به طوری که هراس از بی‌حجابی زنان ایرانی همچون زنان فرنگی، آغاز مسأله اسلام و رواج بی‌بندوباری دانسته شد و سنت‌گرایان مفهوم آزادی در غرب را با مفهوم بی‌بندوباری و از میان رفتن عفت و عصمت زنان پیوند زدند.^۲ به این ترتیب پرداختن به موضوع زن از جانب نوگرایان با تدابیر و احتیاط‌های ویژه همراه گشت و حتی در میان برخی از آنان این مسأله یا به دلیل هراس از واکنش احتمالی سنت‌گرایان یا اعتقادات و باورهای شخصی نویسنده اصلاً مطرح نشد و مورد توجه قرار نگرفت.

با در نظر گرفتن چنین شرایطی در فرهنگ و اجتماع این دوره، بررسی جایگاه زن در نشر و تحول آن از دوره فتحعلی‌شاه تا انتهای مشروطه، نیازمند پیگیری و دنبال کردن

۱. میل، جان استوارت، انقیاد زنان، هرمس، تهران، ۱۳۷۹، ص ۲.

۲. توکل طرقي، محمد، تجدد بومي و يازانديشي تاريخ، نشر تاريخ ايران، تهران، ۱۳۸۲، صص ۱۹۵-۱۹۳؛ و نیز: بخش سفرنامه‌های دوره فتحعلی‌شاه و ناصری در همین کتاب.

متون متعددی است که گاه اشارات بسیار اندک و ناکافی به زنان دارد. در این پژوهش برآنم تا نشانه‌های حضور زن در متون متثور را بیابم تا مشخص شود در هر دوره مورد بحث، در کتب مورد استناد، به چه زنانی (دریاری یا غیردریاری) اشاره می‌شود. چه مطالبی درباره زنان مورد نظر نویسندگان مرد بوده است و تا چه حد زندگی و وضعیت آنان در نثر انعکاس یافته است و این که آیا در طول سال‌های مورد بحث، تحول و تغییری در دیدگاه نویسندگان مرد نسبت به نقش و مسؤولیت زنان و نوع زندگی آنان صورت گرفته است یا خیر. همچنین روند پیدایش و شکل‌گیری نثر زنان و مضامین و مطالبات آنان نیز ارزیابی می‌گردد. از آنجا که این بررسی با توجه به روند تحول نثر به سمت ساده‌نویسی، تنوع مضامین و پیوند نثر با مباحث اجتماعی صورت گرفت، طبیعتاً بیشتر کتب متثوری مورد نظر قرار گرفت که نشانه‌هایی از تحول در صورت و مضمون آنها به چشم می‌خورد. در ابتدا بر آن بودم که تقسیم‌بندی نثر را با توجه به دو حیطه نثر داستانی و نثر غیر داستانی انجام دهم. اما در طول کار متوجه شدم که در دوران مورد بحث تا اواسط دوره مشروطه، نثر داستانی (جز در ترجمه‌های دوره ناصری یا مشروطه) وجود ندارد و شروع داستان‌نویسی به شیوه غربی از سال ۱۳۲۸ق است که جلد اول رمان تاریخی «شمس و طغری» منتشر شد. از آن‌جا که بررسی شخصیت زن در رمان‌های تاریخی و اجتماعی مبحثی بسیار گسترده بود و بخش عمده‌ای از آن نیز مربوط به دوران بعد (یعنی دوره رضاشاه) بود، از مبحث ادبیات داستانی صرف‌نظر کردم و به بررسی نمونه‌های نثر غیرداستانی رایج و مشهور در هر دوره تاریخی اکتفا کردم. ضمن اینکه در بخش ترجمه، نمونه‌های نثر داستانی و نمایشنامه در هر دوره مورد ارزیابی قرار گرفته است.